شـــهر قدیم جیرفت: توضیحی برای روند و چرایی متروک شدن آن با نگاهی به شهر جدید جیرفت

سیدرسول موسوی حاجی[۱]، میثم شهسواری[۲]

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۲
تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۲

چکیده

محوطه ی باستانی شـــهر قدیم جیرفت معروف به شـــهر دقیانوس یا آن‌چنان که مردم محل می‌شناسند، کَلنگی، محوطه‌ی بسیار بزرگی است که بیش از ۱۲۰۰هکتار مســاحت دارد. این محوطه در سمت غرب و تقرِیبا چسبیده به شهر کنونی جیرفت واقع اســت. با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته محوطه‌ی یاد شده در حقیقت بقایای شهر جیرفت بوده است که در متون تاریخی و جغرافیایی از آن نام برده شده است. این شهر مهم‌ترین مرکز شهری در بخش جنوبی ایالت کرمان تا دریای پارس در ســده‌های آغازین تا میانی هجری بوده است که با نام ولایت جیرفت شـــناخته می‌شده است. نقش تاریخی و تحول ســاز این شهر و منطقه‌ی جنوب کرمان (با مرکزیت شهر جیرفت) پس از حمله‌ی غزها و فروپاشی دولت سلجوقیان کرمان، رفته رفته ـ با وجود توانمندی‌ها و امکانات فوق‌العاده‌ی خود ـ کمرنگ و کمرنگ‌تر شد تا این که به جرأت می‌توان گفت که این منطقه‌ی بزرگ تا سده‌ی حاضر عملا نقش مهم و چشمگیری در تحولات و رخدادهای ایالت کرمان و به طور کلی کشـــور ایفا نکرد و به عنوان یک منطقه‌ی درجه چندم به شـــمار می‌رفت. به نظر می‌رسد شهر جیرفت در دهه‌های گذشته و به ویژه دو دهه‌ی اخیر تا اندازه‌ای توانسته است دو باره جایگاه خود را بازیابد. این مقاله با اســـتفاده از روش کتابخانه‌ای با مراجعه به منابع تاریخی و جغرافیای تاریخی دست اول، گزارش‌های باستان‌شناسی و گزارش‌های آرشیوی تلاش کرده اســـت با مطالعه‌ی سیر تحول و روند رشد شهر جیرفت در سده‌ی حاضر، نشان دهد روند متروک شدن شهر قدیم جیرفت روندی تدریجی و نه یکباره بوده و علت اصلی متروک شدن این شهر و به طور کلی حذف آن از جغرافیای کشور [عملاً] پس از حمله‌ی غزها، از رونق افتادن زندگی شهری و شهرنشینی می‌باشد.

واژگان کلیدی:

شهر، جیرفت، محوطه‌ی باستانی شهر قدیم جیرفت، شهر معاصر جیرفت، تاریخ، باستان‌شناسی

۱. سیدرسول موسوی حاجی، دانشیار گروه باستان شناسی دانشگاه مازندران،
۲. نویسنده مسئول:میثم شهســواری، دانشجوی دکتری باستانشناســی دانشــگاه تربیت مدرس، عضو پایگاه میراث فرهنگی جیرفت. ایمیل: Shahsavar2891@gmail.com

مقدمه

تقریبا تمام منطقه‌ی جنوب کرمان شـــامل هفت شهرستان جنوبی ـ به غیر از بخش‌های معدودی ـ مورد بررســـی‌های فراگیر باستان‌شناختی با روش پیمایشی فشرده قرار گرفته‌اند. در این منطقه ـ که از نظر باستان‌شناسی به حوزه‌ی فرهنگی هلیل‌رود معروف اســـت (بنگرید به مجیدزاده، ۱۳۸۷: ۱۵)ـ در فاصله ســـال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ خورشـــیدی شهرستان رودبارجنوب (دهقان، ۱۳۸۲. دانشـــی، ۱۳۹۱)، شهرســـتان عنبرآباد (آبیان، ۱۳۸۱)، سرشاخه‌های هلیل‌رود ـ بخش‌هایی از شهرســـتان‌های رابر و بافت ـ (توفیقیان، ۱۳۸۲الف. همو، ۱۳۸۲ب. همـــو، ۱۳۸۳. شهســـواری، ۱۳۹۰)، ســـاردویه (علیدادی‌ســـلیمانی، ۱۳۸۳. دانشـــی، ۱۳۸۸)، اســـفندقه (علیدادی‌ســـلیمانی، ۱۳۸۵)، بخـــش مرکزی شهرســـتان منوجان (ناصری، منتشرنشـــده)، ارزویه (علیدادی‌سلیمانی، منتشرنشـــده)، بخش‌هایی از شهرســـتان جیرفـــت (آبیان، منتشرنشـــده) و شهرســـتان کهنوج (ریاحیان، منتشرنشده) مورد بررسی قرار گرفتند. متأسفانه گزارش کامل برخی از این بررسی‌ها هنوز منتشر نشده است اما بر بنیاد اطلاعات موجود مکان(ســـایت)های اسلامی نســـبتا زیادی در این بررسی‌ها شناسایی شده است؛ این مکان‌ها به استثنای چند مورد، عموما کوچک‌اند و شامل محوطه‌های اســـتقراری کوچک، قلعه‌ها، بناهـــا، گورســـتان‌ها و ... می‌باشـــند. از محوطه‌های بزرگ متعلق به این دوره می‌توان به محوطه‌های حسین‌آباد دهدار و کهن بلوک در جیرفت و محوطه‌ی شـــهر قدیم منوجان (در محدوده‌ی شهر کنونی منوجان) اشاره نمود. تا کنون پژوهش روشمندی با تأکید بر دوره‌ی اســـلامی در حوزه‌ی هلیل‌رود انجام نگرفته و پرسش‌های بسیاری در این زمینه مطرح است در نتیجه به طور دقیق نمی‌توان چرایی این امر را مشـــخص نمود اما به نظر می‌رسد از مهم‌ترین علت‌های آن ایجاد مراکز بزرگ جمعیتی مانند شهرها، شـــهرک‌ها یا روستاهای بزرگ و تمرکز جمعیـــت در این مراکز بوده اســـت. وجود محوطه‌ی بســـیار بزرگ شـــهر قدیم جیرفت با بیش از ۱۲۰۰ هکتار و محوطه‌های کوچک‌تـــر مانند محوطه‌های یادشـــده ـ البته با اندازه‌های بســـیار کوچک‌تر ـ گواهی است بر این ادعا. این شهر با توجه به بررسی‌های باستان‌شناسی صورت گرفته و نیز اطلاعات برآمده از متون و منابع تاریخی و جغرافیای تاریخی در دوره‌های اســـلامی مهم‌ترین و اصلی‌ترین مرکز شهری حوزه‌ی فرهنگی هلیل‌رود بوده اســـت (شهسواری، ۱۳۸۹: ۱۷۹). در تمام متـــون تاریخی وجغرافیایی از صدر اســـلام تا اوایل دوره‌ی قراختاییان کرمان، همواره از شـــهر جیرفت نام برده شده است و شماری از جغرافی‌نویسان نیز به توصیف این شهر پرداخته‌اند (اســـتخری، ۱۳۴۷: ۱۴۳. ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۷. مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۲). با فروپاشی سلسله‌ی سلجوقیان کرمان در اواخر سده‌ی ششم هجری روند متروک شدن شهر آغاز شد. ظاهرا علت اصلی این اتفاق هجوم قوم صحرانشین غز بود که به تعبیر ناصرالدین منشـــی کرمانـــی: «جیرفت را خشت بر خشت نگذاشتند» (۱۳۶۶: ۱۸). البته پیش از یورش غزها و در ۲۰ ساله‌ی پایانی دودمان سلجوقیان کرمان، درپی جنگ‌های خانمان‌برانداز ســـه مدعی سرسخت تاج و تخت (پسران ملک طغرل)، امنیت به کلی از شهرهای کرمان رخت بربســـته بود و جیرفت در این مدت شش بار شـــدیدا از سوی گروه های مختلف ـ درسال‌های ۵۶۶، ۵۷۱، ۵۷۲ دوبار، ۵۷۵ و ۵۷۷ هجری (بنگرید به محمد ابراهیم، ۱۳۸۶: ۴۰۲-۵۲۲) غارت شـــد و در واقع حمله‌ی غزها به مثابه‌ی تیر خلاصی بود بر پیکره‌ی این شـــهر. پس از این تاریـــخ، جیرفت رفته رفته و نه یکباره اهمیت خود را به عنوان یک مرکز شـــهری مهم از دســـت داد و تنها به عنوان یک منطقه‌ی جغرافیایی مطرح بود. در اواسط ســـده‌ی هفتم هجری که مارکوپولو، جهانگرد معروف ونیزی از این منطقه می‌گذشـــت تنهـــا از ویرانه‌های شهر قمادین نام برده است (ســـایکس، ۱۳۶۸: ۱۴۹. گابریل، ۱۳۴۸: ۶۱-۶۲). احمدعلی‌خان وزیـــری، در میانه‌های دوره قاجار، جیرفـــت را بلوکی (ظاهـــراً به مرکزیت دوســـاری) با خانه‌هایـــی از کَپَر و کُتّوک و جمعیتی بالغ بر هشـــت هزار تن ذکر کرده و افزوده اســـت در زمان او در بلوک جیرفت جایی که بتوان آن را شهر نامید وجود نداشته است (وزیری، ۱۳۸۵: ۲۱۲. نیز بنگرید به اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۲۳۶۲). مسأله‌ای که در این میان وجود دارد این اســـت که چرا شـــهر جیرفت پس از هجوم غزها نتوانســـت دیگر باره موجودیت خود را به عنوان یک شـــهر مطرح کند؟ در واقع با سقوط، اضمحلال یا فروپاشی شـــهر جیرفت، پدیده‌ی شهرنشـــینی در گستره‌ای به وســـعت جنوب اســـتان کرمان مطابق با حوزه‌ی فرهنگی هلیل‌رود دچار فروپاشی یا اضمحلال شد. این اتفاق تا سده‌ی حاضر تداوم یافت و تنها در میانه‌های این ســـده بود که شهر و شهرنشـــینی ـ اگر چه نه به معنی واقعی خـــود ـ بار دیگر در این منطقه‌ی وســـیع رخ نمود. متون تاریخی و جغرافیایی به غیر از جیرفت در منطقه‌ی یاد شـــده از مراکـــزی یادکرده‌اند که بهترین عنوان برای توصیف آن‌ها شـــهرک است واژه‌ای میان شهر و روستا؛ در احسن التقاسیم (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۱)، صـــوره الارض (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۸۰) و مســـالک و ممالک (اســـتخری، ۱۳۴۷ : ۱۴۵) ایـــن نام‌ها در کـــوره‌ی جیرفت جای دارند: هرمز، بـــاس[؟] و جکین [همان جغین]، منوجان، درهفان[؟]، جـــوی ســـلیمان[؟]، نهرزنگان یـــا ابهرزنگان [؟]، کومین یا کومیز، کوهســـتان ابوغانم [همان دهســـتان کوهســـتان رودبار]، کاریزشـــاه [احتمالا مطابق را روستای

چشمه‌شـــاه]، مغـــون [حوالی بلـــوک]، ولاشـــگرد [قریه‌ی گلاشـــگرد در شهرســـتان فاریاب؟]، رودکان [؟]، درقان[؟]. در حقیقت این مراکز شـــهرک‌های بین راهی بودند که وجود آن‌ها وابسته به این راه بود؛ راهی که بندر هرموز را به جیرفت و ســـپس به مناطق مرکزی ایران وصل می‌نمود (بنگرید به شهسواری و مهرآفرین، ۱۳۸۹: ۱۸۴–۱۸۳). باستانی‌پاریزی نوشـــته اســـت: «پس از هجوم غزها بود که مســـیر قافله‌ها وکاروان‌ها دیگر از جیرفت قطع شـــد و قافله‌داران، قافله‌های خود را از طریق بنـــادر دیگر عبور دادند» (باســـتانی پاریزی، ۱۳۸۶: ۳۰). در نتیجه با تغییر راه، این شهرک‌ها نیز ضرورت و اهمیت خود را از دست دادند. مسلما با پذیرش این فرض شهر جیرفت نیز در پی این تغییرات دســـتخوش تغییرات بنیادین شـــد زیرا جیرفت به مثابه مرکزی در محل اتصال دو راه مهم قرار داشـــت: راهی که از خلیج فارس و بنـــدر هرموز می‌آمد و راهی که از هندوستان و طریق جالق می‌آمد و مال التجاره‌ی هند را می‌آورد (بارتولـــد، ۱۳۵۸: ۱۶۵). این موقعیت جیرفت را به عنوان یک مرکز تجاری مهـــم مطرح کرده بود چنان‌که بعدها و به احتمال در سده‌ی پنجم هجری ضرورت ایجاد یک فضای اختصاصی برای کاروانیان به شـــدت احساس می‌شده است که منجر به شکل گیری محله‌ی قمادین شد. محله‌ای که به‌نوشته‌ی خبیصی حسینی به نقل از افضل‌الدین ابوحامد کرمانی: "مخزن نفایس چین، خَتا، هندوستان، حبشه، زنگبار، روم، مصر، ارمینیه، آذربایجان، ماوراءالنهر، عراق، خراســـان و فارس بـــود" (خبیصی حســـینی، ۱۳۸۶: ۴۷۹). متأســـفانه اطلاعات زیادی در باره‌ی جیرفت و به طور کلی جنوب شرق ایران از منابـــع تاریخی و جغرافیایی نمی‌توان به دســـت آورد (شهسواری، ۱۳۸۸: ۱۵–۱۷) در نتیجه بایستی برای توضیح این اتفاق دست به فرضیه‌پردازی زد چگونه شد که یک شهر عظیم ـ که در سده‌های ســـوم و چهارم هجری درحدود چهار کیلومتر مربع وســـعت داشته (اســـتخری، : ۱۴۳. ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۷. جیهانـــی، ۱۳۸۸: ۱۳۱. حدودالعالم، ۱۳۶۱: ۱۲۶) و در ســـده‌ی پنجم و ششـــم هجری بزرگ‌تر و مهم‌تر شده و حتی در این زمان پایتختی را نیز تجربه کرده است، اگر چه نه یکباره متروک شد و پدیده‌ی شهرنشینی از آن رخت بربست؟ البته با توجه به داده‌های باستان‌شـــناختی و تاریخی محدود موجود، هدف این مقاله بیش از آن‌که یافتن پاسخی برای این پرسش باشد، تلاشی است برای توضیح این روند و چگونگی از میان رفتن پدیده‌ی شهرنشـــینی و گم شدن شهر به مدت بیش از ششـــصد تا هفتصد ســـال در منطقه‌ی جنوب استان کرمان تا سده‌ی حاضر. البته پرســـش‌های مهم دیگری هم وجود دارند که در حال حاضر و بـــا داده‌های موجود نمی‌توان پاسخی برای آن‌ها یافت؛ پرسش‌هایی مانند: مردم ساکن این شـــهر پس از متروک شـــدن آن کجا رفتند و چه اتفاقی برای آن‌ها رخ داد؟ چرا پس از متروک شـــدن شهر قدیم، تا سده‌ی حاضر هیچ مرکز شـــهری دیگری در هیـــچ نقطه‌ای حوزه‌ی فرهنگی هلیل رود ـ با وجود قابلیت‌هـــای گوناگون و معتنابه این حوزه ـ شکل نگرفت؟

روش تحقیق

این پژوهش با توجه بـــه نظری بـــودن آن، از نظر ماهیت در دسته‌ی تحقیقات بنیادی و از نظر روش در دسته‌ی تحقیقات تاریخی قرار می‌گیرد. این مقاله تلاش دارد با توضیح عوامل موثر بر رشد شـــهر معاصر جیرفت با شیوه‌ی قیاس (تمثیل) یا آنالوژی تا اندازه‌ای به توضیح روند متروک شـــدن شهر قدیم جیرفت نزدیک شود در واقع این مقاله بیش از آن‌که در باره‌ی شهر قدیم جیرفت باشد در باره‌ی شهر امروزی جیرفت، روند و چرایی گسترش آن طی دو دهه‌ی اخیر می‌باشد. گردآوری داده‌های اصلی تحقیق به شـــیوه‌ی کتابخانه‌ای یا اســـنادی صورت پذیرفته ضمن آن‌که بخش مهمی از آن از مشاهدات مستقیم نگارنده و تجربیات شخصی وی متأثر است.

موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی

شهرستان جیرفت با وســـعت ۸۶۰۰(۱) کیلومتر مربع ـ ۴/۶ درصد از مساحت استان کرمان (استان‌شناسی کرمان، ۱۳۹۰: ۵۱) ـ در نیمه‌ی جنوبی اســـتان و در فاصلـــه ۲۵۰ کیلومتری جنوب شهر کرمان واقع شـــده است و آن را شهرستان‌های بم از شرق، کرمان از شمال، رابر از شـــمال غرب، بافت از غرب، کهنوج از جنوب غرب و عنبرآباد از جنوب در برگرفته‌اند.

بر اساس نقشه‌ی پهنه‌بندی استان کرمان، شهرستان جیرفت دارای دو نوع اقلیم بری شدیدِ خیلی خشـــک، گرم تا معتدل و اقلیم برّی، خشـــک، نیمـــه گرم تا خنک اســـت (کلانتری خاندانـــی، ۱۳۸۷). تنوع آب و هوایـــی و فاصله‌ی اندک میان هوای ســـرد و خنک (کوهســـتان‌های ســـاردویه و دلفارد و جبالبارز) تا هوای گرم و ســـوزان (دشـــت جیرفـــت) در این شهرســـتان، تفاوت‌های فرهنگی و حتی قومی را باعث شده است به گونه‌ای که مردمان کوهستان نشین و مردمان دشت نشـــینِ جیرفت، در عین همگونی‌های چشمگیر، تفاوت‌های کاملاً مشخصی با یکدیگر از نظر فرهنگی و زبانی دارند.

جیرفت، بخشی از حوزه‌ی آبریز هلیل‌رود می‌باشد و مهم‌ترین رود و تنها رود دایمی استان کرمان، یعنی هلیل‌رود، از میانه‌ی آن می‌گـــذرد. این رود با طـــول حـــدوداً ۴۰۰ کیلومتر، که از ارتفاعات شـــمال غربی سرچشـــمه گرفته، در نهایت پس از گذشتن از شهرســـتان‌های جیرفت و کهنوج و عنبرآباد وارد رودبار شـــده و به باتلاق جازموریان می‌ریـــزد (همان: ۳) در

برخی از منابع تاریخی و جغرافیایی کهـن، این رود دیورود یا دیوانه‌رود نامیده یا توصیف شده است (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۳۰). این رود ضلع جنوب غربی شهر امروزی جیرفت را در بر گرفته و میان شهر و محله‌ها (یا روستاها)ی کَلَرود و کهورویه فاصله انداخته است (بنگرید به شکل ۲).

بخش اصلی ارتفاعات استان کرمان دنباله‌ی رشته کوه‌های مرکزی ایران است که از گردنه‌ی آوَج ـ در مسیر قزوین به همدان ـ شروع می شوند و به موازات رشته کوه‌های زاگرس در جهت شمال غرب ـ جنوب شـرق به طرف بلوچستان در جنوب شـرق ایران ادامه می‌یابند (استان‌شناسـی کرمان، ۱۳۹۰: ۳). بخشی از ارتفاعات جیرفت رشته کوه‌های جبالبارز نام دارند که همچون دیواره‌ای امتداد شـرقی و شمال شرقی شهرسـتان را فرا گرفته و مرز میان جیرفت و بم را تشـکیل می‌دهند. ارتفاعات مهم دیگر جیرفت رشـته کوه‌های دلفارد، ساردویه و بهرآسمان هستند که سراسر بخش شمال و شمال غرب شهرسـتان را فرا گرفته‌اند. در میان این ارتفاعات، سه پهنه دشـتی جیرفت، بلوک و اسـفندقه واقع شـده که این دشـت‌ها حدود ۷۰ درصد سـطح شهرسـتان جیرفت را در برمی‌گیرند. دشـت جیرفت، کـه حدود ۶۰ کیلومتـر درازا و ۱۰ تا ۱۵ کیلومتـر پهنا دارد، منطقـه‌ی فروافتاده و همواری اسـت که آن را از شمال، غرب و شـرق ارتفاعات و شبکه‌ای از آبراهـا در بر گرفته اسـت ایـن آبراه‌ها در فصـل باران جریان‌های ناشی از بارندگی را به سـمت دشت و رودخانه‌ی هلیل هدایت می کنند (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمان شهرسـتان جیرفت، ۱۳۸۲: ۱۵. علیدادی، سلیمانی، ۱۳۸۷: ۲۴). پیشینه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناختی در شهر قدیم برای نخسـتین بار اشـتاین به محوطه‌ی شهر قدیم را اشاره کرد و در آن دسـت به کاوش در چند گمانه زد (stein, ۱۹۳۷: ۱۵۲). اما نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی در محوطه‌ی باسـتانی شـهر قدیم جیرفت موسوم به شهر دقیانوس، در اسفند ماه سـال ۱۳۸۱ خورشیدی به سرپرستی چوبک آغاز شـد. چهارمین و آخرین فصـل این کاوش‌ها در سال ۱۳۸۸ صورت پذیرفت (در باره‌ی پیشینه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی بیش‌تر نگاه کنید به چوبک، ۱۳۹۱: ۸۵).

به طور کلی تا پایان فصل سـوم کاوش‌های باستان‌شناختی شـهر قدیم جیرفـت به سرپرسـتی خانم چوبـک، کاوش در ۱۱ کارگاه، درپنـج بخش از شـهر به همـراه کاوش در گورسـتان شـهر در منتها علیه غربی آن صورت گرفت؛ این بخش‌ها عبارتند از: بازار و حمام[کارگاه‌های ۱و۲ شـکل۱]، بخش موسـوم به ارگ در سـمت جنوب شـرق محل بازار [کارگاه‌های۴و۵و۶ شکل۱]، مسـجد در سمت شرق محل بازار [شکل ۱]، منطقه‌ی صنعتی در سمت جنوب غرب محل بازار[کارگاه‌های ۱۰و۱۱ شـکل۱] خانـه‌ی اربابی [کارگاه۳ شکل۱] و گورستان [شکل ۱] (چوبک، ۱۳۹۱: ۸۵).

شهر قدیم جیرفت

منابـع و متـون جغرافیای تاریخـی و تاریخـی از جیرفت به عنوان یکی از کوره‌ها (در باره‌ی تقسـیمات کشـوری در روزگار قدیم بنگرید بـه بیک محمـدی، ۱۳۸۲: ۱۱۶) ـ یا خوره یا کوره؛ به معنی حِصه، بخش یا ناحیه و در تقسـیمات کشـوری آن روزگار چیزی برابر با شهرستان امروزی ـ مهم ایالت کرمان یاد کرده‌اند. ابن رسـته در سـده‌ی سوم کرمان را دارای شش کوره بردسیر، سـیرجان، نرماشیر، بم، جیرفت و هرمز ذکر کرده است (ابن رسـته، ۱۳۶۵: ۱۲۴) اما به نظر می‌رسد که کوره‌ی جیرفت در سـده‌ی پنجم، در واقع نصف جنوبی ایالت کرمان تـا دریا را در برمی‌گرفته و شـامل تمام شهرسـتان‌های کنونی جنوب اسـتان و نیـز میناب (همان هُرموز متون کـه در واقع بنـدرگاه ایالت کرمان به شـمار می‌رفته اسـت) و بندر عباس (احتمالاً همان سـورو متون) می‌شده است (مقدسـی، ۱۳۶۱: ۶۸۱). در واقع تا سال ۱۳۵۹ نیز چنین تقسـیم بندی‌ای، البته منهای شـهرهای واقع در استان هرمزگان، همچنان وجود داشـت و در این سال با جدا شـدن کهنوج از جیرفت و تبدیل آن به یک شهرستان جدید، منطقه‌ی جنوب استان به دو شهرسـتان تقسیم شد (بنگرید به فریدی مجید و همـکاران، ۱۳۹۱: ۲۳۶-۲۲۰). بر پایه‌ی کاوش‌های باستان‌شناختی، مرکز این کوره، همان محوطه‌ی باستانی است که نزد اهالی به "شهر دقیانوس" و یا "کَلنگی" معروف است، این محوطه‌ی بسـیار بزرگ ـ که بقایای آن در محدوده‌ای به مسـاحت بیش از ۴۰ کیلومتر مربع؟! (چوبک، ۱۳۸۳: ۲۲۲) پراکنده شده اسـت ـ در فاصله‌ی اندکی از شهر امروزی جیرفت، در محل روستای "بهجرد سفلی" واقع شده اسـت(۳). بخش بزرگی از این محوطه را خانه‌های روستای یادشده اشغال و تخریب کرده است در واقع این روستا بر روی محوطه‌ی باستانی قرار گرفته است (شکل۲).

متأسـفانه هنوز این محوطه تعیین حریم نشده و بررسی‌های سطحی روشـمند با هدف مشـخص نمودن وسعت شهر در دوره‌هـای مختلف در آن صورت نگرفته اسـت. در نتیجه در باره‌ی ساختار شـهری و فضایی آن در حال حاضر چیز زیادی نمی‌توان گفت اما بررسی‌های پراکنده‌ی صورت گرفته نشان می‌دهد که شـهر دارای محله‌های متعددی بوده و هر محله دارای تأسیسات و بناهای عمومی مانند دکان‌ها، گرمابه‌ها و حتی مسجد بوده است (چوبک، ۱۳۸۳: ۲۲۶). «فشردگی آثار در این شهر گویای بافت فشـرده‌ی شهری با تأسیسات مهم شهری، کلان‌شـهری با جامعه‌ی مصرفی و مردمی سرزنده

و بورژوا اســـت که به علت ثروت همواره تهدید و چپاول شده است" (چوبک، ۱۳۹۱: ۸۵).
شهر جیرفت در ســـده‌های ســـوم و چهارم هجری درحدود چهار کیلومتر مربع (اســـتخری، : ۱۴۳. ابـــن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۷. جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۳۱. حدودالعالم، ۱۳۶۱: ۱۲۶) وســـعت داشته و از استخر بزرگ‌تر بوده اســـت. این شهر دژی با چهار دروازه داشته اســـت که با نام‌های: «دروازه شاپور»، «دروازه سیرجان»، «دروازه بم» و «دروازه مصلی» نامیده می‌شده‌اند و مسجد جامع شـــهر که از آجر ســـاخته شـــده بود، نزدیک دروازه‌ی بم قرار داشت (همان: ۶۸۸).
در ســـده‌های پنجم و ششـــم هجـــری ودر طـــول دوره‌ی ســـلجوقیان کرمان ـ که نه تنهـــا یکـــی از دوره‌های رونق حوزه‌ی فرهنگی هلیل‌رود بلکه کرمان می‌باشـــد و ده‌ها تپه و محوطه متعلق به این دوره شناســـایی شده است ـ پایتخت زمســـتانی یا پایتخت دوم این دودمان بوده اســـت. چوبک بر اســـاس «رنگ‌های تند و شـــاداب و نقش‌مایه‌های پرکار تا اندازه‌ای جلف و سبکسرانه« متعلق به این دوره، شهر جیرفت را در دوران سلجوقی یک «جامعه‌ی شـــهری تازه به دوران رسیده‌ی مصرفی» توصیف کرده است (چوبک، ۱۳۹۱: ۹۵).
محله‌ی قمادین: در منابع و متون تاریخی، به ویژه در سده‌ی ششـــم هجری مکرر از قمادین نام برده شـــده است؛ محمد ابراهیم خبیصـــی ـ گردآورنده‌ی کتاب ســـلجوقیان و غز در کرمان ـ آن را موضعی یـــا مکانی بر دَر یـــا نزدیک دروازه‌ی جیرفت معرفی کرده که بازرگانان با ملیت‌های مختلف مانند یونانی یا رومی، هنـــدی، زنگباری و ... کالاهـــای خود در را در آن‌جا نگهـــداری می‌کرده‌اند و در واقع بارانداز مهم شـــهر بوده است (بنگرید به خبیصی حسینی، ۱۳۸۶: ۴۷۹). بقایای این مکان هم اینک در سمت شـــمال شرقی محوطه‌ی شهر دقیانوس (پشته‌ی بهجرد سفلی) و در سمت راست رودخانه‌ی هلیل قرار گرفته و ســـفالینه‌های ســـده‌های هفتم و هشتم هجری نیز در آن دیده شـــده که نشـــانگر تداوم شهر و تغییر هسته‌ی شـــهری(۴) از محل قدیم یعنی پشـــته‌ی بهجرد به این محل می‌باشد (چوبک، ۱۳۸۳: ۲۲۶) از همین روست که جیرفت را گاه با نام قمادین نیز می‌شناسند(۵). به نظر می‌رسد این محوطه از حدود سده‌ی پنجم هجری و در پی نیاز به یک محل ویژه و جداگانـــه برای بازرگانـــان و کالاهای بازرگانی احتمالا در اثر افزایش تجارت و رونق گرفتن بازرگانی در شهر جیرفت شکل گرفته باشد.

شهر امروزی جیرفت

الف) هسته‌ی اولیه: شهر امروزی جیرفت روبروی شهر قدیم و با فاصله‌ی حـــدودا دو کیلومتری در محـــل زمین‌های باز و هموار سمت شرق آن قرار گرفته است (شکل۲). در میان این دو محل روستای کهورویه و بســـتر رودخانه‌ی هلیل‌رود واقع شده‌است که این رود به دلیل قرار گرفتن در منطقه‌ای هموار بیش از ۴۰۰ متر عرض دارد. به طور دقیق مشخص نیست که شـــهر امروزی جیرفت چه زمانی در محل فعلی احداث شده است اما کهنسالان در ســـخن‌ها و خاطرات خود محل فعلی شهر را دشتی باز و خالی از ســـکنه توصیف می‌کنند که هیچ اثری از آبادانی در آن نبوده اســـت. عدم وجود بناهایی کهن و با قدمت بیش از ۸۰ ســـال تا اندازه‌ای نشان‌دهنده‌ی درستی این سخنان است زیرا هیچ یک از بناهای قدیمی و کهن شهر جیرفت عمر بیش‌تری از قدمت یاد شده ندارند(۲).
بنیادگزاری شـــهر کنونی جیرفت یا دستکم تصویب به عنوان یک شهرستان به سال ۱۳۱۶ خورشیدی (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های اســـتان کرمان شهرســـتان جیرفت، ۱۳۸۲: یک. فریدی‌مجید و همـــکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۲) برمی‌گـــردد اما در سال ۱۳۲۵ نخستین فرماندار جیرفت معرفی شد و شهرداری این شهر در سال ۱۳۳۰ شـــکل گرفت (شریفی، ۱۳۹۲: ۱۰).
با وجود این به نظر می‌رســـد که شـــهر جیرفت به عنوان یک مرکز شـــهری عملا در دهه‌ی چهل خورشـــیدی مطرح شد زیرا ســـاده‌ترین و ابتدایی‌ترین نهادهای شـــهری در اوایل یا در طول این دهه است که در این شـــهر شکل می‌گیرند مانند نخستین میوه‌فروشی، نخســـتین خیاطی، نخستین قصابی، نخستین قنادی، نخســـتین کفاشی، نخســـتین مسافرخانه، نخســـتین پمپ بنزیـــن و ... (بنگرید به شـــریفی، ۱۳۹۲).
این‌ها نشـــانگر این نکته هستند که اساســـا چنین چیزهایی پیش از این در جیرفت موضوعیت نداشـــتند به این معنی که شیوه‌ی زندگی روستایی بوده و اســـاس اقتصاد و معیشت بر خودکفایی اســـتوار بود در نتیجه مردم نیازمندی‌های خود را از قبیل گوشـــت، میوه و بقولات خود تأمین می‌کردند و نیازی به وجود چنین پدیده‌هایی احساس نمی‌شد. جالب این‌جاست که در همیـــن زمان نهادهـــای دیگری که در نگاه نخســـت لوکس و غیر ضروری به نظر می‌رســـند مانند کافه رستوران، سینما، کتابفروشی و ... هم در این منطقه تأسیس می‌شوند (بنگرید به همان: ۱۱). در شکل ۳ روند توسعه شهر جیرفت در دوره‌های مختلف نشان داده شده است. همان‌گونه که در این شکل مشاهده می‌شود آغاز گسترش شهر نیز به همین زمان یعنی پس از ۱۳۴۵ برمی‌گردد و بعد از ۱۳۵۵ شتاب افزون‌تری به خود می‌گیرد (شکل۳).
ب)جمعیت: جمعیت شهر جیرفت در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ ـ ۱۳۴۵ نرخ رشد ۱۰/۶ درصدی و در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ ـ ۱۳۵۵ نرخ رشد ۱۱/۶ درصدی داشـــته است به طوری که از ۲۴۰۰ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۶۷۰۰ نفر در سال ۱۳۴۵ و بیش از

۲۰۰۰۰ نفر در سال۱۳۵۵، بیش از ۳۵۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۵، بیش از ۵۹۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۵ (مهندسین مشاور آمودان، ۱۳۹۱: ۱۸)، بیش از ۱۰۴۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۵ (برآورد جمعیت شهرستان‌های کشور، ۱۳۸۸: ۲۷) و ۱۲۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۸ (استان‌شناسی کرمان، ۱۳۹۰: ۵۱) افزایش یافته است. بر این اساس جمعیت شهر جیرفت در سرشماری‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵،۱۳۷۵، ۱۳۸۵ به ترتیب ۱۱٪، ۱۶٪، ۲۶٪، ۲۵٪، ۵۵٪ (مهندسین مشاور آمودان، ۱۳۹۱: ۲۰) و در آمار سال ۱۳۸۸، ۵۷٪ (استان‌شناسی کرمان، ۱۳۹۰: ۵۱) از کل جمعیت شهرستان را تشکیل می‌داده است. این اعداد و ارقام به معنی تغییر سریع سبک زندگی در شهرستان جیرفت ظرف مدت کم‌تر از ۲۰ سال ـ سال‌های ۱۳۵۵تا۱۳۷۵ خورشیدی ـ از زندگی روستایی به زندگی شهری یا مهاجرپذیری زیاد آن می‌باشد.

ج) تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی و ترکیب جمعیتی: در حال حاضر شهرستان جیرفت شامل چهار نقطه‌ی شهری به نام‌های جیرفت، جبالبارز، ساردویه و بلوک، چهار بخش به نام‌های مرکزی، جبالبارز، ساردویه و اسماعیلی (نقشه ۱)، ۱۴ دهستان و بیش از ۱۳۰۰ پارچه آبادی می‌باشد (http:/ www.amar.org.ir. مهندسین مشاور آمودان، ۱۳۹۱: ۱). به طور کلی شهرستان جیرفت را می‌توان به چهار منطقه تقسیم نمود: ساردویه منطبق با بخش ساردویه، جبالبارز منطبق با بخش جبالبارز و شامل دو جبالبارز بالا و پایین، اسفندقه و دشت شامل دو بخش مرکزی و هلیل (نقشه‌ی ۲). دو منطقه‌ی نخست مناطق کوهستانی با آب و هوای سرد و خشک ـ زمستان‌های سرد و برفگیر و تابستان‌های خنک و معتدل ـ جزو مناطق ییلاقی و سردسیر به شمار می‌روند و در سمت شمال، شمال شرقی تا شمال غربی شهر واقعند. منطقه‌ی سوم ارتفاع کم‌تری نسبت به دو منطقه‌ی نخست دارد و موقعیت غالب آبادی‌های آن دشتی و تپه‌ای است. تغییرات توپوگرافی این منطقه موجب پیدایش اختلاف آب و هوایی شده است در مناطق شرقی تابستان‌های گروم و خشک و زمستان‌های معتدل و در مناطق شمالی و مرکزی آب و هوای استپی با زمستان‌های سرد و تابستان‌های نسبتا گرم و خشک حاکم می‌باشد (فرهنگ آبادی‌های استان کرمان شهرستان جیرفت، ۱۳۸۲). اما منطقه‌ی چهارم، که اقلیم کاملا متفاوتی نسبت به سه منطقه‌ی پیش‌گفته دارد و با آب و هوای گرم و مرطوب ـ زمستان‌های معتدل و تابستان‌های بسیار گرم ـ منطقه‌ای گرمسیر به شمار می‌رود، در سمت جنوب و جنوب شرقی قرار دارد. شهر جیرفت نیز در همین منطقه در محلی موسوم به سبزواران واقع شده است. (۶)

با این که در هر سه منطقه، مراکز شهری وجود دارد ـ شهر ساردویه، جبالبارز و شهر بلوک (در منطقه‌ی گرمسیر در بخش اسماعیلی) ـ اما این مراکز، شهرهای کوچکی هستند با حداقل امکانات شهری، بافتی کاملا روستایی و اقتصادی تماما وابسته به کشاورزی و دامداری، در نتیجه تنها شهر معتبر و مهم همان شهر جیرفت می‌باشد. عمده‌ی جمعیت شهرنشین جیرفت به یکی از این سه منطقه تعلق دارند و جمعیت بومی سبزواران درصد بسیار کمی را از آن‌ها تشکیل می‌دهد. این عامل باعث ایجاد یک بافت جمعیتی خاص و منحصر به فرد شهرنشین در این شهر شده است. منظور از خاص، نیمه‌ساکن بودن یا نیمه‌یکجانشین بودن این جمعیت می‌باشد به این معنی که بخش بزرگی از این جمعیت اواسط فصل بهار یا اواخر این فصل، تقریبا همزمان با پایان سال تحصیلی مدارس، شهر را ترک گفته و به یکی از مناطق سه گانه‌ی بالا ـ بیش‌تر ساردویه و جبالبارز که به سرحد در این منطقه به معنی سردسیر یا ییلاق معروفند ـ نقل مکان می‌کنند. تمام فصل تابستان را تا آغاز فصل بازگشایی مدارس آن‌جا مانده و سپس دو باره به شهر جیرفت بازمی‌گردند و این چرخه هر سال تکرار می‌شود. در این مدت شهر بسیار خلوت شده و سیمایی نیمه‌تعطیل به خود می‌گیرد و از آن سو روستاهای مناطق یاد شده شلوغ و پرجمعیت می‌شوند. بهترین نوع این شیوه‌ی زندگی را در منطقه‌ی ساردویه می‌توان یافت که زمستان‌ها به دلیل سرمای نسبتا شدید امکان ماندن در منطقه بسیار کم است از این رو تقریبا تمام اهالی منطقه به مناطق گرمسیر جیرفت و به ویژه به شهر نقل مکان کرده و با فرارسیدن گرما، در ماه‌های دوم یا نهایتا سوم بهار دوباره به ساردویه بازمی‌گردند. این مردم در هر دو منطقه‌ی جیرفت و ساردویه دارای خانه‌هایی با معماری دایمی هستند و به نگهداری و پرورش دام و نیز کشاورزی معمولا در هر دو منطقه می‌پردازند. این شیوه تقریبا شامل همه‌ی اهالی مناطق یادشده می‌شود به غیر از کارمندان یا افرادی که شغل و پیشه‌ای دایمی و ثابت دارند. از زمان شکل‌گیری شهر جیرفت این شیوه، شیوه‌ی غالب زندگی در منطقه بود. به نظر می‌رسد این وضعیت، میراث برجای مانده از زندگی کوچ‌نشینی است که حتی در دوره‌ی حاضر نیز بقایای کمرنگی از این شیوه‌ی زندگی به صورت عشایری در منطقه مشاهده می‌شود و هنوز هم می‌توان چادرهای عشایری را در گوشه و کنار شهرستان دید(۷).

بحث و تحلیل

الف) تعریف شهر: پیش از ورود به بحث اصلی بایسته است با مفهوم شهر و تعاریفی که از آن به دست داده شده آشنایی

مقدماتی حاصل کرد. از سوی اندیشمندان جغرافیا، جامعه شناسی، اقتصاد، جمعیت‌شناسی و برخی علوم دیگر، تعاریف متعددی از شهر ارائه شده‌است اما هنوز به موافقت جمعی رسیده نشده است.» سازمان ملل متحد، در سال ۱۳۶۷ خورشیدی، شهر را چنین، تعریف می کند: شهر مکانی با تراکم بالای جمعیت و مرکزیت سیاسی، اداری و تاریخی است که در آن، فعالیت اصلی مردم، غیر کشاورزی می‌باشد و دارای مختصات شهری بوده که از طریق دولتی محلی، اداره می شود» (http://fa.wikipedia.org). «پنج مورد از مشخصات شهر عبارتند از: الف) تصمیم وزارت مربوطه (در ایران وزارت کشور) بر اساس سوابق تاریخی، مسایل سیاسی و نه اطلاعات آماری، ب) تعداد افراد ساکن در منطقه، ج) وضعیت منطقه از نظر اداری، د) خصوصیات مختص شهری و ه) فعالیت غالب اقتصادی» (روجوشکی، ۱۳۸۳: ۲۹۳). طبق منشور آتن به سال ۱۹۳۵ شهر باید دارای چهار وظیفه یا عمل باشد: تهیه‌ی مسکن سالم برای مردم، فراهم نمودن امکان فعالیت‌های طبیعی انسانی، پیش‌بینی تأسیسات برای تفریحات و ایجاد شبکه‌ی حمل ونقل میان محل کار و سکونت و تفریح (جعفری، ۱۳۶۶: ۲۳۷). جامعه شناسان از جمله انگلس و مارکس، شهر را محل تمرکز جمعیت، ابزار تولید، سرمایه، نیازها و احتیاجات و غیره می‌دانند که تقسیم کار اجتماعی، در آنجا صورت گرفته‌است. جغرافی دانان، شهر را منظره ای مصنوعی از خیابانها، ساختمانها، دستگاهها و بناهایی می‌دانند که زندگی شهری را امکانپذیر می‌سازد. از نظر اقتصاددانان، شهر به جایی اطلاق می‌شود که معیشت غالب ساکنان آن، بر پایه کشاورزی نباشد. جمعیت شناسان نیز، تعداد جمعیت یک نقطه را، ملاک شهری بودن آن نقطه می‌دانند (http://fa.wikipedia.org). البته بایستی همواره متوجه این نکته بودکه شهرهای قدیم و جدید به لحاظ ساختارها، عملکردها، وضایف ودیگر خصوصیات شهری با یکدیگر تفاوت بنیادین دارند و شاید مقایسه‌ی آن‌ها با یکدیگر بدون توجه به این نکته گمراه کننده و بی ثمر باشد.

ب) شهر امروزی جیرفت و رونق شهری: با این که هنوز هم جمعیت روستایی شهرستان جیرفت بخش بزرگ و قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهد اما وضعیتی که در بالا توصیف شد ـ جمعیت نیمه‌یکجانشین ـ در دو دهه‌ی اخیر دچار تغییر و چرخه‌ی مزبور تقریبا متوقف شده است. در حال حاضر روستاهای مناطق سردسیر عملا حالتی ییلاقی پیدا کرده و به مکانی برای استراحت و گذراندن تعطیلات آخر هفته تبدیل شده‌اند. این مناطق رونق سابق خود را ندارند و همچون گذشته ـ پیش از دو دهه‌ی پیش ـ آباد، پرجمعیت و شلوغ حتی در فصل تابستان نیستند. در عوض جمعیت شهر در تابستان و زمستان همواره بدون تغییر می‌ماند و حتی گرمای تابفرسا و دمای بالای ۴۰ درجه سانتیگراد نیز از ازدحام جمعیت و ترافیک نمی کاهد. همزمان مهاجرت روستاییان به شهر نیز افزایش یافته و تعداد بیش‌تری محل زندگی خود را به شهر منتقل کرده و می کنند.

اعداد و ارقامی که پیش‌تر ارایه شد یعنی افزایش جمعیت شهرنشین از ۲۵٪ کل جمعیت شهرستان در سال ۱۳۷۵ به ۵۵٪ کل این جمعیت در سال ۱۳۸۵ به خوبی گویای این رویکرد می‌باشند. نگاهی به نرخ ۷/۶۳ رشد جمعیت شهر جیرفت در فاصله سال‌های ۱۳۴۵تا ۱۳۸۵ خورشیدی و مقایسه‌ی آن با نرخ ۴/۲۳ رشد جمعیت نقاط شهری کشور (مهندسان مشاور آمودان، ۱۳۹۱: ۱۹) نشان از استعداد بالای این شهر در جذب جمعیت دارد. توسعه‌ی فزاینده و گاه افسارگسیخته‌ی شهر به لحاظ کالبدی و فضایی، افزایش ساخت و سازهای مسکونی و تجاری، افزایش سرسام‌آور بهای زمین در محدوده‌ی شهر و حریم آن و... از عوارض این رویکرد می‌باشند. بسیاری از سالخوردگان در خاطرات خود از بهای بسیار پایین زمین در گذشته ـ پیش از دهه‌ی پنجاه یا شصت خورشیدی ـ یاد کرده و عنوان می کنند که به ایشان صدها متر مربع زمین در محدوده‌ی شهر در عوض گله‌ی کوچکی گوسفند یا قطعه زمین کوچکی در سرحد (مناطق کوهستانی) پیشنهاد می‌شد و آن‌ها نمی‌پذیرفتند. از جنبه‌های دیگر رویکرد یادشده، پیدایش سبک جدید زندگی شهرنشینی و به وجود آمدن خلق و خوی‌های تازه در میان قشر شهرنشین می‌باشد؛ مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی، رواج سبک‌های نو و به روز در معماری، ایجاد طبقات جدید اجتماعی با در هم آمیخته شدن یا درهم شکستن طبقه‌بندی‌های قدیم، کمرنگ شدن طایفه‌گرایی و قبیله‌گرایی از مهم‌ترین ویژگی‌های این سبک زندگی می‌باشند.

یک نظر علت این شهرگرایی در جیرفت را سیاست‌های کلان دولتی ـ به ویژه در دهه‌ی ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ خورشیدی ـ و عدم توجه به روستاها و توجه بیش از اندازه به شهرها با اقداماتی نظیر اعطای کمک‌های جنسی و غیرنقدی به شهرنشینان در قالب کالابرگ‌های گوناگون و دیگر خدمات می‌داند که منجر به سرازیر شدن جمعیت روستایی به شهر و ایجاد محلات حاشیه‌ای در اطراف آن گردید (مهندس علی‌یاری، گفتگوی خصوصی). نقش خشکسالی‌های دامنه‌دار و طولانی مدت، که بیش از ۲۰ سال است زندگی را در منطقه با ناملایمات زیادی روبرو کرده، در ایجاد پدیده‌ی فوق و دامن زدن به آن غیرقابل انکار است؛ عاملی که بسیاری از اراضی کشاورزی را بایر و در نتیجه روستاهای بسیاری را خالی از سکنه نمود. اما در واقع مهم‌ترین عامل، رونق زندگی شهری در شهر جیرفت

می‌باشد؛ به نظر می‌رسد که شهر جیرفت طی دو دهه‌ی اخیر جایگاه خود را بازیافته و به یــک مرکز تأثیرگذار و مهم تبدیل شده است. منظور از رونق زندگی شــهری امکاناتی است که شهر به ساکنان خود می‌دهد و شــرایطی است که برای آن‌ها فراهم می‌کند به گونه‌ای که زندگی در شــهر برای ایشــان دارای صرفه و منفعت اســت این صرفه هم از نظر اقتصادی اســت و هم از نظر اجتماعی: «وظایف و فعالیت‌های شهری در مقایسه با روستاها نخست متنوع اســت و ثانیاً تا اندازه‌ای از یکدیگر متمایز می‌باشــد، مانند وظایف اداری، سیاســی، اقتصادی، نظامی، دانشــگاهی، مذهبی و تفریحی شــهرها. دوم آن که پیچیده بودن ســازمان اجتماعی در شهرها موجب می‌شــود که روابط اجتماعی بســیار متنوع‌تر و متحرک‌تر از روســتاها گرد. منظور از تحرک اجتماعی آن اســت که شهر امکانات کافی برای اینکــه افراد در نظــام اجتماعی، پایگاه خود را به ســهولت تغییر دهند، در اختیار ایشان قرار می‌دهد. زندگی اجتماعی در شــهرها به دلیل تمرکــز جمعیت زیاد و ناهمگنی در فضایی محــدود به پیچیده‌تریــن و غنی‌ترین شکل خود ظاهر می‌شود. این واقعیت‌های اجتماعی به ایجاد یک نوع روحیه شهری یا فرهنگ شهرنشینی انجامیده است که با خصوصیات اجتماعات غیرمشــابه فرق دارد. به‌عبارت دیگر، ســبک زندگی و شــیوه فکر کردن و بروز احساسات و عواطف، ویژگی‌هائی به زندگی شهرنشینی بخشیده است که خاص اجتماع مورد نظر یعنی شــهر است؛ مثلاً استقلال افراد در مقابل سنن و آداب، در شــهرها افزایش می‌یابد و پذیرش افکار جدید، مدپرســتی، خلاقیت، نوآوری و تســامح فزونی می‌گیرد. در مقابل به‌علت سست شدن سنت‌ها و قواعد رفتار آبا و اجدادی و فردگرائی، زندگی در شهرها (برخلاف زندگی روستایی) بســیار مشــکل می‌گردد» (http://vista.ir/content/).

باری اگرچه این شــهر تا رســیدن به مدارج بــالای تعالی و پیشرفت راه دراز و دشــواری در پیش دارد و هنوز فاقد برخی از زیرســاخت‌های مهم فرهنگی و اجتماعی است اما به نظر می‌رســد که این روند مدتی است آغاز شــده و با شتاب پیش می‌رود.

نتیجه‌گیری

در ســده‌ی حاضر در پی تحــولات اجتماعی و سیاســی پر دامنه در کشــور، منطقه‌ی جنوب کرمان نیز ـ که منطقه‌ای استراتژیک به لحاظ کشــاورزی و موقعیت به شمار می‌رود ـ جان تازه‌ای گرفته و زندگی در آن دوباره رونق یافته اســت. در این زمان شــهر جیرفت از نو زنده شد و شهر جدید با فاصله از محل ویرانه‌های شهر قدیم، در دشت واقع در سمت شمال آن بر پا شــد. با رونق گرفتن زندگی در شــهر مردمانی که در روســتاهای اطراف زندگی می‌کردند به تدریج جذب شــهر شدند اما کماکان اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها ییلاق، قشلاق می‌کردند ـ و شاید عنوان نیمه یکجانشین یا نیمه‌ساکن برای آن‌ها چندان بی‌تناسب نباشد ـ یعنی تابســتان‌ها را بیرون از شهر و همچنان در روســتاها (به ویژه در مناطق کوهستانی) می‌گذراندند و زمســتان‌ها به شــهر بازمی‌گشــتند. در این شیوه‌ی زندگی تابستان‌ها و همزمان با تعطیلی مدارس شهر بیش از نیمی از جمعیت خود را از دســت می‌داد علت این امر وابستگی شــدید این مردم به اقتصاد روستایی ـ که بر پایه‌ی کشاورزی، باغداری و دامپروری استوار بود ـ و نیز عدم رونق شهر جیرفت به دلیل ســادگی، کوچکی و کم اهمیتی آن بود. رفته رفته و تقریبا از اواخر دهه‌ی پنجاه همگام با رونق گرفتن و اهمیت یافتن شهر ـ به دلیل استعدادها و توانمندی‌های آن ـ این شــیوه‌ی زندگی کم‌کم کم‌رنگ‌تر شــده و جای خود را به زندگی ثابت داد. در ســال‌های اخیر روستانشینی و اقتصاد روستایی، به ویژه در مناطق کوهستانی، رونق خود را از دست داده اســت و دیگر شهر جیرفت در تابســتان‌ها مانند گذشته تقریبا خالی از سکنه نمی‌شــود. اگر چه شاید به نظر برسد که عامل اصلی این پدیده خشکســالی‌های دامنه‌دار و طولانی مدت چند ساله‌ی اخیر است اما به راستی روند رشد و پیشرفت سریع و بالا رفتن سطح زندگی در شهر مهم‌ترین علت تمرکز فعالیت‌های مــردم در شــهر جیرفت می‌باشــد. از این روند یا فرایند، البته به صورت وارون، می‌توان برای تشــریح روند متروک شدن شــهر قدیم جیرفت بهره گرفت؛ هجوم غزها ـ که به تعبیری مغولانی در مقیاســی کوچک‌تر بودند ـ به شهر جیرفت جدای از غارت‌ها و لطمه‌های احتمالا جبران‌ناپذیری که به این شــهر زد (احتمالا به علت نبود استحکامات کافی گرداگرد شهر جیرفت) ناامن شــدن منطقه‌ی جنوب کرمان را در پی داشــت. در پی این ناامنی‌ها راه‌های تجاری مهمی که از این منطقه عبور می‌کردند نیز دچار ناامنی شده و نهایتا، در مدت زمانی که مشــخص نیســت، مســیرهای دیگری جایگزین آن‌ها شــدند. تغییر مســیرهای تجاری به احتمال تأثیر شدیدی بر شــهر غارت‌زده و نیمه‌ویران جیرفت گذاشته اســت به گونه‌ای که زندگی در این شهر را دچار سکته کرده و بخش احتمالا عمده‌ای از وظایف شهری شهر را مختل نموده است. این اختلال باعث شــد که زندگی در شهر جیرفت برای ساکنان آن کم‌کم رونق و صرفه‌ی ســابق را از دست بدهد و منجر به مهاجرت گروه‌های مختلف مردم از آن بشــود و این آغاز متروک شدن شهر جیرفت بود. کاهش جمعیت رفته رفته شــدت گرفته و افراد بیش‌تری شــهر را ترک کردند. در واقع همان‌گونه که رونق زندگی شــهری و شهرنشینی باعث شد

شهر جیرفت در سده‌ی حاضر دو باره جایگاه خود را بازیابد از میان رفتن این عوامل در اثر احتمالا تغییر مسیرهای بزرگ تجاری، موجب متروک شدن شهر قدیم جیرفت گردید. شاید بتوان این عامل را مهم‌ترین دلیل عدم ایجاد شهر و شهرنشینی در منطقه‌ی جیرفت پس از سده‌ی هفتم هجری تا سده‌ی حاضر دانست. این پدیده بسیار پیچیده و چند بعدی است و نیازمند اطلاعاتی در زمینه‌ی ساختار کالبدی شهر قدیم، شناسایی دوره‌های گوناگون آن، روند گسترش شهر در این دوره‌ها و ... دارد در حال حاضر با توجه به اطلاعات بسیار ناقص و عقیم موجود عملا نمی‌توان به این مقولات پای نهاد.

پانوشت

۱- مساحت شهرستان در منابع مختلف متفاوت ذکر شده است این مساحت در سایت فرمانداری ۸۵۹۰ (http://www.jiroft.kr.ir/index) در جایی دیگر ۹۵۱۳ کیلومترمربع (مهندسین مشاور آمودان، ۱۳۹۱: ۱) آمده است.

۲- البته به نظر می‌رسد که در محل شهر کنونی به ویژه در نیمه‌ی غربی آن نیز محوطه‌های باستانی وجود داشته که به دلیل گسترش شهر پیش از ایجاد تشکیلات میراث فرهنگی، کاملا نابود شده و از میان رفته اند گواه این ادعا آثار و به ویژه سفال‌هایی است که گاه از چاه‌های عمیقی ـ که به منظورهای مختلف در سطح شهر به ویژه درمحل بافت قدیم آن کنده می‌شود ـ در اعماق گوناگون به دست می‌آید.

۳- محوطه‌ی شهر قدیم جیرفت با شماره ۵۰۳ به تاریخ ۱۳۴۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۴: ۳۲۸).

۴- با توجه به این که یک بررسی فراگیر و روشمند باستان‌شناختی در سطح محوطه‌ی شهر قدیم و یک حفاری عمودی به منظور لایه‌نگاری و شناسایی توالی دوره‌های مختلف فرهنگی موجود در این محوطه صورت نگرفته نتیجه‌گیری در باره‌ی تغییر هسته‌ی شهری از پشته‌ی بهجرد به محل قمادین زود به نظر می‌رسد. زیرا سفال‌های مربوط به سده‌های بعد از سده‌ی ششم در بخش‌های مختلف محوطه‌ی شهر قدیم نیز مشاهده می‌شود.

۵- این محوطه مشخصا با شماره ۵۲ به سال ۱۳۱۰ خورشیدی به ثبت آثار ملی رسیده است (پازوکی و شادمهر، ۱۳۸۴: ۳۲۸).

۶- در گذشته به این مناطق جروم و صرود می‌گفتند که جمع مکسر جَرم و صَرد معرب گرم و سرد می‌باشند (بنگرید به عامری‌نایینی، ۲۵۳۶: ۷۵).

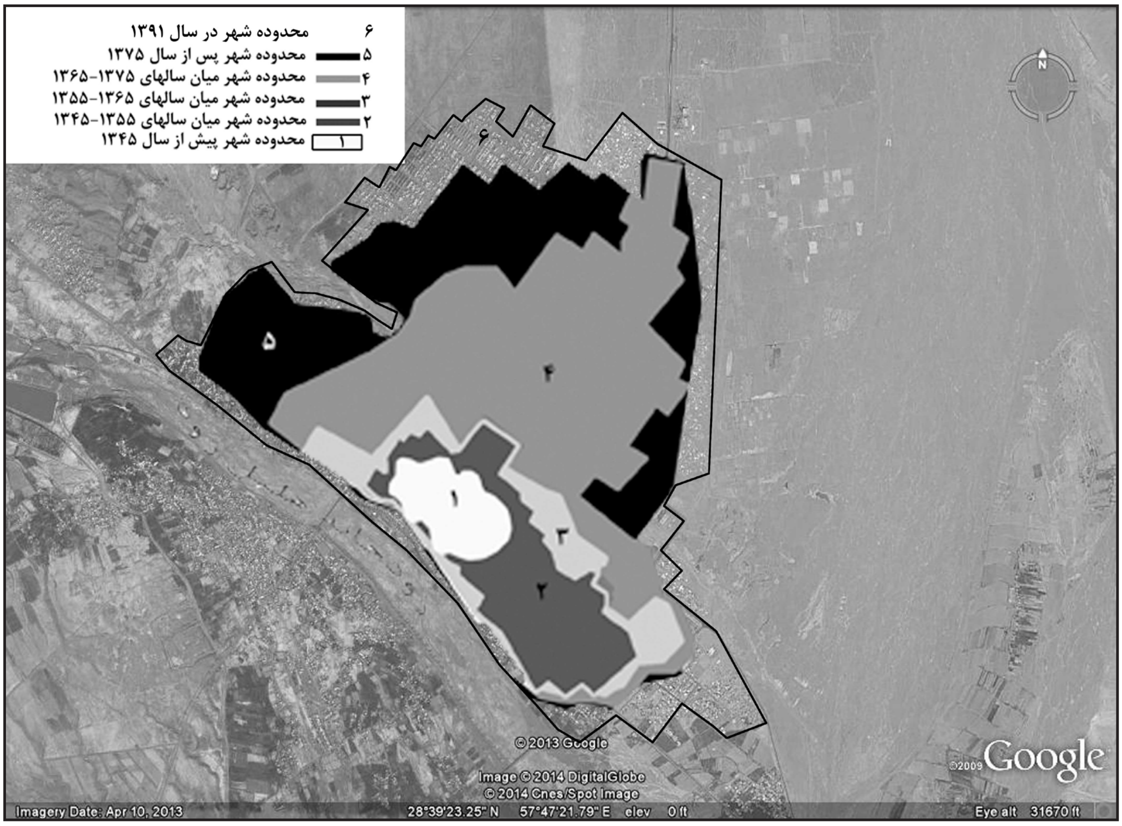
۷- این شیوه در منطقه‌ی حوزه‌ی فرهنگی هلیل‌رود پیشینه‌ی بسیار کهنی دارد و به دوران مس و سنگ (هزاره‌ی چهارم پ.م) برمی گردد (شهسواری و خالدی، در دست چاپ).



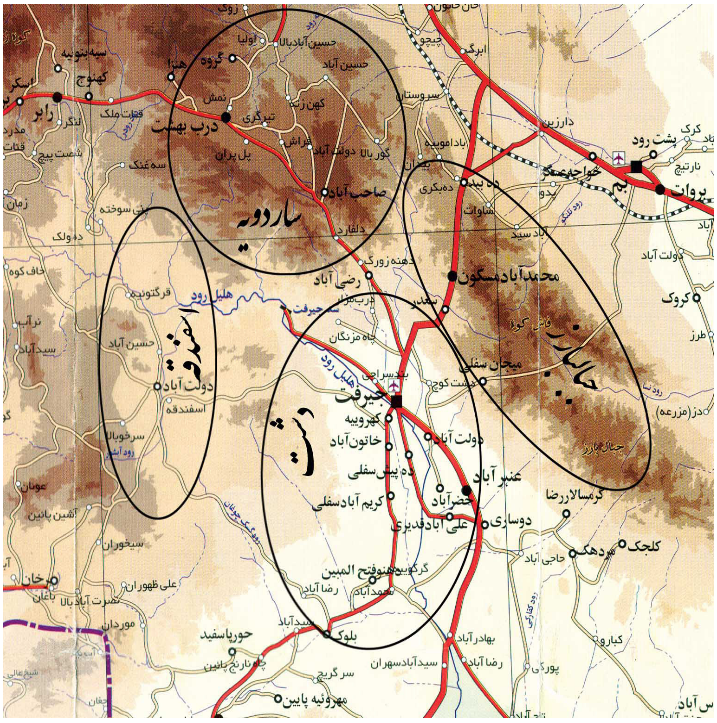
شکل ۱: موقعیت کارگاه‌های کاوش در شهر قدیم. منبع: نگارنده



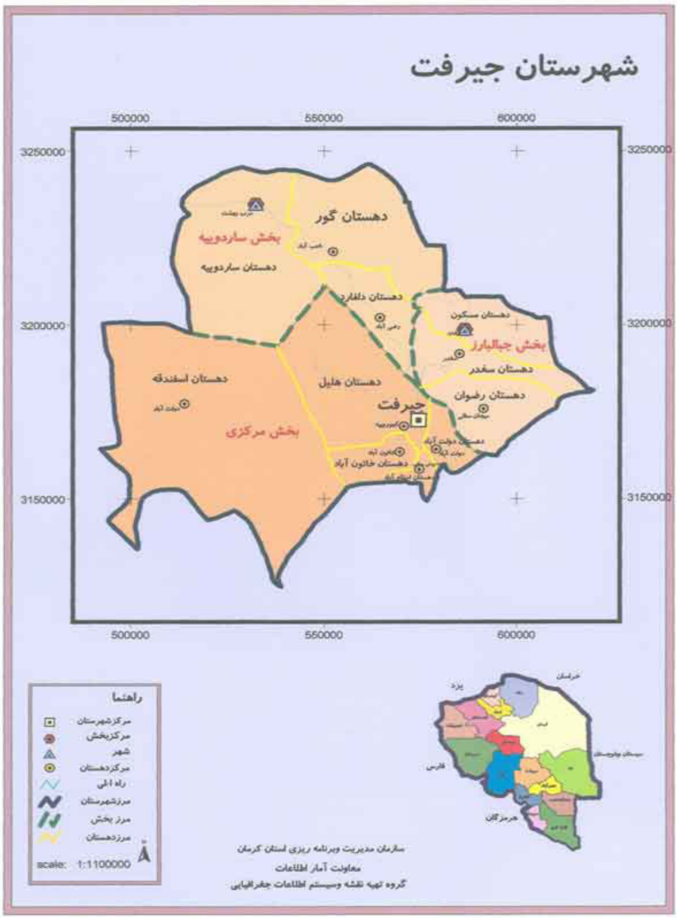
شکل۲: موقعیت دو شهر قدیم و امروزی جیرفت نسبت به هم



شکل ۳: روند گسترش شهر جیرفت. منبع: (مهندسان مشاور آمودان، ۱۳۹۱: ۲۵)



نقشه ی ۲ مناطق شهرستان جیرفت



نقشه ی ۱ تقسیمات کشوری شهرستان جیرفت

فهرست منابع

ابن حوقل، (۱۳۶۶)، سفرنامه، ترجمه و توضیح دکتر جعفر شعار، موسسه‌ی انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ دوم.
آبیان، داوود.، ۱۳۸۱، گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناسی حوزه‌ی هلیل‌رود (جیرفت و عنبرآباد)، سازمان میراث‌فرهنگی استان کرمان (منتشرنشده).
آبیان، داوود.، منتشرنشده، فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی حوزه‌ی هلیل‌رود (جیرفت و عنبرآباد)، سازمان میراث‌فرهنگی استان کرمان (منتشرنشده).
ابن رسته، احمد بن عمر.، ۱۳۶۵، اعلاق النفیسه، ترجمه و تألیف دکتر حسین قره‌چانلو، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ اول.
استان‌شناسی کرمان، ۱۳۹۰،وزارت آموزش و پرورش، شرکت چاپ و نش کتاب‌های درسی ایران، تهران، چاپ نهم.
استخری ابوعبدالله. احمدبن محمد، (۱۳۴۷)، مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان.، ۱۳۶۸، مرآه البلدان، جلد چهارم، با تصحیحات و حواشی به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
بارتولد، ولادیمیر، (۱۳۵۸)، تذکره ی جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه ی حمزه ی سردادور، انتشارات توس، چاپ دوم.
باستانی‌پاریزی.، ۱۳۸۶، حواشی و تعلیقات؛ در: سلجوقیان و غز در کرمان، تحریر میرزا محمدابراهیم خبیصی حسینی، تصحیح و مقدمه باستانی‌پاریزی، نشر علم، تهران، چاپ اول.
برآورد جمعیت شهرستان‌های کشور (بر اساس تطبیق جغرافیایی محدوده‌ی خردادماه ۱۳۸۸)، (۱۳۸۸)، دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری و مرکز آمار ایران.
بیک‌محمدی، حسن.، ۱۳۸۲، مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ سوم.
پازوکی، ناصر. شادمهر، عبدالکریم، (۱۳۸۴)، آثار ثبت شده‌ی ایران در فهرست آثار ملی، سازمان میراث‌فرهنگی کشور، تهران: چاپ اول.
توفیقیان، حسین.، ۱۳۸۲، گزارش فصل یکم بررسی شناسایی سرشاخه‌های هلیل‌رود (بخش رابر)، ، سازمان میراث‌فرهنگی استان کرمان، (منتشرنشده).
توفیقیان، حسین.، ۱۳۸۲الف، گزارش فصل دوم بررسی شناسایی سرشاخه‌های هلیل‌رود (بخش رابر)، سازمان میراث‌فرهنگی استان کرمان، (منتشرنشده).
توفیقیان، حسین.، ۱۳۸۲ب، گزارش فصل سوم بررسی شناسایی سرشاخه‌های هلیل‌رود (بخش رابر- بخش مرکزی بافت)، ، سازمان میراث‌فرهنگی استان کرمان، (منتشرنشده).
جعفری، عباس، (۱۳۶۶)، فرهنگ بزرگ گیتاشناسی و اصطلاحات جغرافیایی، انتشارات گیتاشناسی، تهران، چاپ اول.
جیهانی ا، (۱۳۶۸)، اشکال العالم، ترجمه-ی علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، شرکت به نشر، تهران، چاپ اول.
خبیصی حسینی محمد ابراهیم، (۱۳۸۶)، سلجوقیان و غز در کرمان، به کوشش باستانی پاریزی، نشر علم، تهران.
چوبک حمیده.، ۱۳۸۳، تسلسل فرهنگی جازموریان ـ شهر قدیم جیرفت، رساله ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
چوبک، حمیده.، ۱۳۹۱، سفالینه‌های دوران اسلامی ـ شهر کهن جیرفت، مجله‌ی مطالعات باستان‌شناسی، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱ شماره پیاپی۵: ۹۶-۸۳.
حدودالعالم من المشرق الی المغرب.، ۱۳۶۱، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، انتشارات طهوری، تهران.
دانشی، علی.، ۱۳۹۰، گزارش رررسی و شناسایی ساردویه (فصل دوم)، اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان (منتشرنشده).
دهقان، ولی‌الله.، ۱۳۸۲، گزارش بررسی شهرستان رودبار جنوب، سازمان میراث‌فرهنگی استان کرمان، (منتشرنشده).
روجوشکی، اچ، (۱۳۸۳)، فرهنگ تشریحی جغرافیا، مترجم علیرضا صالحی، انتشارات دانشیار، تهران: چاپ اول.
ریاحیان، رضا.، منتشرنشده، بررسی و شناسایی شهرستان کهنوج (۱۳۸۸)، اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان.
سایکس، سرپرسی، (۱۳۶۸)، تاریخ ایران، جلد دوم، ترجمه ی سیدفخرالدین محمدتقی فخر داعی گیلانی، دنیای کتاب، تهران: چاپ چهارم.
شهسواری، میثم، (۱۳۸۸)، بررسی باستان‌شناختی تپه باستانی تمب‌خرگ واقع در رودبار جنوب، استان کرمان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، منتشر نشده.
شهسواری، میثم. مهرافرین، رضا، (۱۳۸۹)، جغرافیای تاریخی سرزمین رودبار جنوب در دوران اسلامی ومطالعه‌ی یکی از مکان‌های باستانی متعلق به این دوره: قلعه‌ی خرق، مجله‌ی مطالعات ایرانی، سال نهم، شماره هجدهم..
شهسواری، میثم.، ۱۳۹۰، گزارش بررسی و شناسایی شهرستان رابر (منطقه‌ی قدرودخانه)، فصل چهارم بررسی و شناسایی سرشاخه‌های

هلیل‌رود، اداره کل میراث‌فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان کرما، (منتشرنشده).
شهسواری، میثم. خالدی، سهراب.، (در دست چاپ)، بررسی باستان‌شناختی سرشـــاخه‌های هلیل‌رود منطقه‌ی قدرودخانه؛ محوطه‌های متعلق به هزاره چهارم پ. م: استقرارها و گورها، در نوبت چاپ مجله‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس.
شریفی، محمد، (۱۳۹۲)، نخستین‌های جیرفت، رودبار زمین، شماره ۶۱۶، ویژه نامه‌ی نوروزی ۱۳۹۲، صص: ۱۱-۱۰.
عامری نایینی، علی‌محمد. (۲۵۳۶)، حواشی؛ در: عقدالعلی للموقف الاعلی، تألیف افضل‌الدین ابوحامد احمد بن حامد کرمانی، به تصحیح و اهتمام علیمحمد عامری نایینی، با مقدمه‌ی باستانی‌پاریزی، انتشارات روزبهان، تهران، چاپ دوم.
علیدادی‌سلیمانی، نادر.، ۱۳۸۳، گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان جیرفت حوزه‌ی ساردویه، سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان، کرمان، (منتشرنشده).
علیدادی‌سلیمانی، نادر.، ۱۳۸۵، گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان جیرفت ـ حوزه‌ی اسفندقه، سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان، کرمان، (منتشرنشده).
علیدادی‌سلیمانی، نادر.، منتشرنشده، بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان ارزویه (۱۳۸۸)، اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان.
فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمان، (۱۳۸۲)، شهرستان جیرفت.، جلد پنجم، ســـازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران، چاپ اول.
فریدی‌مجید، فاطمه. دفتری، فاطمه. ملک‌پور، نجمه.، ۱۳۹۱، سرگذشت تقســـیمات کشوری ایران، جلد پنجم، بنیاد ایرانشناسی، تهران، چاپ یکم.
کلانتری‌خاندانی، حسین.، ۱۳۸۷، سیری در جغرافیای استان کرمان، مرکز کرمان‌شناسی، کرمان.
گابریل، آلفونس، (۱۳۴۸)، تحقیقات جغرافیایـــی راجع به ایران، مترجم فتحعلی خواجه نوری، تکمیـــل و تصحیح از هومان خواجه نوری، انتشارات ابن سینا، تهران: چاپ اول.
مهندسان مشاور آمودان.، (۱۳۹۱)، خلاصه‌ی گزارش بازنگری طرح جامع شهر جیرفت، اداره کل راه و شهرسازی استان کرمان مدیریت شهرسازی و معماری.
مجیدزاده، یوسف، (۱۳۸۷)، پیشگفتار؛ در: مجموعه مقالات نخســـتین همایش بین‌المللی تمدن حوزه‌ی هلیل جیرفت، به کوشش دکتر یوسف مجیدزاده، سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری استان کرمان، کرمان، چاپ اول.
مقدســـی، احمد بن محمدبن طاهر، (۱۳۶۱)، احســـن التقاســـیم فی معرفت الاقالیم، بخش دوم، ترجمه‌ی دکتر علینقی منزوی، شرکت مولفان و مترجمان ایران، چاپ اول.
ناصرالدین منشی کرمانی.، ۱۳۶۲، سمط العلی للحضره العلیا، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشـــتیانی، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ دوم.
ناصری، محبوبه.، منتشرنشده، بررسی و شناسایی شهرستان منوجان (۱۳۸۸)، فصل اول، اداره کل میراث‌فرهنگی استان کرمان.
وزیری، احمدعلی‌خان، (۱۳۸۵)، تاریخ کرمان، به تصحیح و تحشیه‌ی باستانی پاریزی، نشر علم، تهران.

http:/geography.kermanedu.ir/abutk9.html
http:/www.amar.org.ir/0/countryDivision/GEO, lxlsn.xlsx
http://vista.ir/content
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1
Stein, Aurel., (1937), Archaeological Reconnaissance in North Western India and .South Eastern Iran, London